

بررسی موضوع ترجمه قرآن کریم

اثر: دکتر سهراب مروتی

استادیار دانشگاه ایلام

(از ص ۸۳ تا ۹۸)

چکیده:

قرآن کریم، سند نبوت و معجزه جاویدان خاتم پیامبران است؛ مسلمانان موظف به خواندن آن بزبان عربی شده‌اند. از زمان روی آوری غیر عربها به دین اسلام، موضوع ترجمه قرآن کریم و میزان ترجمه‌پذیری آن چهره نمایانده است و تاکنون نیز ادامه دارد.

نگارنده در این نوشتار سعی بر آن دارد با اشاره به اهمیت بررسی موضوع ترجمه قرآن، به بررسی تاریخی سیر ترجمه قرآن در جهان و دلایل ضرورت ترجمه قرآن پرداخته و میزان ترجمه‌پذیری آن را از دیدگاه مذاهب گوناگون تبیین نماید؛ سپس با ذکر استنادات شرعی و ارائه نظرات مراجع تقلید دیدگاه مکتب تشیع را در باره موضوع ترجمه قرآن کریم گزارش نماید.

واژه‌های کلیدی: ترجمه، ضرورت ترجمه قرآن، میزان ترجمه‌پذیری،

استنادات شرعی.

مقدمه:

قرآن کریم مشعل فروزانی است که در سده‌های دراز، انبوه انبوه انسانهای سرگشته را به مقصد اعلی و مقصود والا رهنمون گشته است. قرآن کریم از یک سو قانون اساسی اسلام و ضامن سعادت جامعه انسانی است و از سوی دیگر سند زنده و معجزه ماندگار آخرین دین الهی است که با ندایی سرفرازانه همگان را به مبارزه طلبیده است (بقره / ۲۳، یونس / ۳۸، هود / ۱۳ و ۱۴) و برای آرامش خاطر و اطمینان قلب پیامبر فرموده است: «قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیرا» (اسراء ۸۶)

قرآن کریم به زبان عربی، فصیح و مبین فرو فرستاده شده است و آیه‌های متعددی بر پاکی این متن مقدس از تعارض، تضاد و بطلان دلالت می‌نماید (حجر / ۱، نحل / ۱۰۳، نساء / ۸۲). بنابراین قرآن کریم از لحاظ دلالت‌های واژگانی (نحوی) و دلالت‌های ادبی و زیباشناختی، ویژگیهای خاص خود را داراست. سئوالی که از آغاز فرود آمدن قرآن کریم برای مسلمانان و غیرمسلمانان مطرح بوده و در طول تاریخ اسلام تا به امروز به حیات خویش ادامه داده است، موضوع جواز ترجمه قرآن کریم است؛ اندیشمندان علوم دینی در این باره اختلاف نظر داشته‌اند، گروهی ترجمه قرآن را غیرممکن و اقدام به آن را حرام دانسته‌اند و عده‌ای ترجمه آن را برای ابلاغ پیام الهی به جهانیان ضروری و واجب شمرده‌اند. با وجود این اختلاف نظرها قرآن کریم از آغاز تبلیغ اسلام ترجمه گردیده است؛ بعضی از اصحاب و یاران پیامبر (ص) قرآن کریم را برای کسانی که زبان عربی نمی‌دانستند به زبانهای رایج زمان خویش برمی‌گرداندند. نقل کرده‌اند: «ایرانیان از سلمان فارسی خواستند که قرآن را برای آنان به زبان فارسی ترجمه نماید.» (سرخسی، المبسوط، ۳۷/۱؛ شلتون، ترجمه القرآن و نصوص العلماء، ۱۱۲). و اینگونه بود که برگرداندن قرآن کریم از زبان عربی به زبانهای دیگر در طول تاریخ اسلام تداوم پیدا کرده است. سئوال اصلی این است که

مکتب تشیع و اندیشمندان علوم اسلامی شیعی چه دیدگاهی در این باره دارند و از همه مهمتر چه استنادات شرعی برای اثبات این ادعا وجود دارد؟

زرقانی می‌نویسد: «قرآن کریم تاکنون بیش از ۱۲۰ بار به ۳۵ زبان مختلف جهان ترجمه شده است، برخی از آنها شهرت فراوان یافته و بارها چاپ شده است، از جمله آنها می‌توان به ترجمه «جرج سیل» انگلیسی اشاره نمود که تاکنون بیش از ۳۴ بار به چاپ رسیده است.» (مناهل العرفان، ۳/۲) در جای دیگر آمده است که از قرن یازدهم به بعد ۷۰ ترجمه ترکی از قرآن کریم به انجام رسیده است. (تحقیقات اسلامی، ۲/۱) ناگفته نماند که نه تنها تمامی ترجمه‌های انجام گرفته با انگیزه خدمت به اسلام و ابلاغ دین خدا صورت پذیرفته است، بلکه چه بسا برخی با انگیزه سوء، قرآن کریم را ترجمه کرده‌اند. زنجانی در این باره می‌گوید: «اولین ترجمه قرآن کریم به زبان لاتین در سال ۱۱۴۳ م انجام گرفت و تا زمانی که ردیه‌ای بر آن الصاق ننمودند آن را به زیور طبع نیاراستند» (تاریخ القرآن، ۶۹). این مهم در زمان ما از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است. زیرا هر چند به درستی معلوم نیست که چند زبان در دنیا وجود دارد، اما جمعی از زبان‌شناسان تعداد زبانهای موجود را بیش از ۲۵۰۰ زبان دانسته‌اند. (عک، تاریخ توثیق نص القرآن، ۱۱۲)

بنابراین با توجه به اینکه قرآن کریم به زبان عربی فصیح نازل گردیده است، هیچ‌گونه بطلانی به مفاهیم آن راه ندارد. این متن مقدس به زبانهای گوناگون ترجمه گردیده است اما تمامی مترجمین آن به علت ضعف در درک قرآن و یا تفهیم آن در زبان مقصد و یا هر دوی آن و همچنین آشنان نبودن با دانش زبان‌شناسی و ترجمه‌شناسی، نتوانسته‌اند ترجمه‌ای مناسب و شایسته برای قرآن کریم ارائه نمایند؛ علاوه بر آن، تعدادی از مترجمین قرآن غیر مسلمانانی بوده‌اند که اعتقادی به مقدس بودن آن نداشته‌اند و از همه اینها مهمتر علماء اسلامی در باره جواز ترجمه آن با یکدیگر اختلاف نظر دارند. لذا بحث و بررسی پیرامون موضوع ترجمه

قرآن کریم، دلایل ضرورت ترجمه آن و استنادات شرعی که در مکتب تشیع برای جواز آن وجود دارد ضروری می‌نماید.

تعریف ترجمه :

لغت شناسان در باره ریشه ترجمه و مشتقات آن با یکدیگر اختلاف نظر دارند، بعضی آن را عربی، از ریشه «ترجم» گرفته‌اند (جوهری، الصحاح، ۱۹۲۸/۵). عده‌ای دیگر ریشه آن را «رجم» به معنی سخن گفتن از روی حدس و گمان ذکر کرده‌اند (زبیدی، تاج العروس، ۱۲/۸) جمعی دیگر بر این عقیده‌اند که واژه ترجمه غیر عربی و مُعَرَّب است. دهخدا می‌نویسد: ترجمه از ترزبان است و ترجمان کسی است که کلام دو شخص متغایر اللسان را به یکدیگر بفهماند. (لغتنامه دهخدا، واژه ترجمه) گروهی دیگر ترجمان را لفظی آرامی به حساب آورده و معتقدند در روزگاران کهن به زبان تازی راه یافته است. (دائرة المعارف الاسلامیه، لفظ ترجمان). به نظر می‌رسد که «ترجمه» یک واژه اصیل عربی، مصدر فعل رباعی مجرد به معنی روشن کردن و ایضاح کردن است. جمع آن ترجمان است، (جوهری، الصحاح، ۱۹۲۸/۵) و از نظر نگارش به دو شکل آمده است «ترجمان، تُرْجَمَان» (شرتونی، اقرب الموارد، ۵۵/۱)

ترجمه به معانی گوناگونی آمده است که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- به معنی شرح و تفسیر، وقتی گفته می‌شود «تُرْجِمَهُ» یعنی مطلب و یا موضوع را شرح و تفسیر نمود. جوهری می‌نویسد: «الترجمان، المفسر اللسان، قد ترجمه و ترجم عنه، اذا فسّر کلامه بلسانٍ آخر» (الصحاح، ۱۹۲۸/۵). در خطبه ۱۲۵ نهج البلاغه نیز به همین معنی آمده است: «... و هذا القرآن انما خط مستور بین الدفتین لا ینطق بلسانٍ و لا بدله من ترجمان...» (نهج البلاغه، ترجمه شهیدی) حدیثی به پیامبر نسبت می‌دهند که ترجمان را به این معنی بکار برده است، روایت کرده‌اند که آن حضرت در باره ابن عباس فرمود: «نعم الترجمان» (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۵۹۰/۲)

۲- ترجمه عبارت است از برگرداندن نوشتار یا گفتاری از زبانی به زبان دیگر «نقله

من لغة الى أخرى» (زبیدی، تاج العروس، ۳۴/۸) و مطلوب ترین نوع این انتقال آن است که هیچ بخشی از صورت و معنا از بین نرود. (برگزیده‌ها، ۳۷) امروزه ترجمه بیشتر به این معنی بکار می‌رود. ناگفته نماند که ترجمه به معنی بیان سیرت و اخلاق و نسب اشخاص (بیوگرافی) و همچنین تبلیغ رساندن کلام، رمز و معما و... نیز بکار رفته است. (ر.ک احمد مهنا، دراسته حول ترجمه القرآن الکریم، ۴۵ - ۱۲؛ مصطفی مراغی، بحث فی ترجمه القرآن الکریم و احکامها، ۵۰ - ۳۰).

از آنچه که گفته شد بدست می‌آید که ترجمه عبارتست از: برگرداندن سخن از زبانی به زبان دیگر به شکلی که تمامی معانی و مقاصد و یا صورت و ماده آن به زبان مقصد منتقل شود، به عبارت دیگر ترجمه عبارتست از فرآیندی که خود نیز از دو فرآیند دیگر تشکیل گردیده است: بازآفرینی و تغییرآفرینی. بنابراین ترجمه فرآیندی دوسویه است که در یک سوی آن زبان مبدأ و در سوی دیگر زبان مقصد قرار دارد و هر زبانی دارای ساختارهای نحوی، آوایی و معنایی و واژگانی خاص خود می‌باشد؛ با ملاحظه این اصول، روند درک پیام و مفاهیم در زبان مبدأ و بازآفرینی آن در زبان مقصد، مستلزم آگاهی و دانش مترجم پیرامون عواملی است که این فرآیند را عملی تر می‌سازد، آگاهی مترجم بر ابعاد انتقال پیام از یک زبان به زبان دیگر تأثیر این پیام را طبیعی تر می‌سازد.

قرآن و ترجمه

ترجمه در مورد سخن قدسی خداوند متعال با ویژگیهای منحصر به فردش از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است و بسیاری از مترجمین بر بی‌بضاعتی خویش در برابر شکوه و عظمت قرآن کریم اعتراف کرده و به دلیل بار معنایی گسترده این متن مقدس، برگرداندن آن به زبانی دیگر را صعب و دشوار دانسته‌اند. از همان آغاز که اسلام مورد پذیرش مسلمانان غیر عرب قرار گرفت، بحث جواز و یا عدم جواز ترجمه آن به عنوان یک حکم شرعی در بین اندیشمندان علوم قرآنی و فقیهان امور

شرعی به اختلاف مطرح بوده است. جمعی از اندیشمندان علوم دینی مخالف ترجمه قرآن کریم و عده‌ای موافق ترجمه آن بوده‌اند. مهمترین موضوعی که بر این اقدام تأثیر گذاشته، جنبه‌های سه‌گانه قرآن کریم یعنی معجزه بودن، عمومیت داشتن دعوت و تعبد به تلاوت آن بوده است. یعنی قرآن کریم لفظی است که از سوی خداوند متعال و به وسیله حضرت جبرئیل بر قلب مبارک پیامبر (ص) فرود آمده و تمام مسلمانان متعبد به تلاوت آن به زبان اصلیش - یعنی عربی - می‌باشند. اما همین متن با این ویژگیها، دعوت عمومی و همگانی تمام انسانها را به تمامی زبانها بر عهده دارد. (رک: جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلامی، ۳۷/۱؛ دراز، محمد عبدالله، النبأ العظيم، ۸۳؛ ابن هشام، سیره الرسول ۴۱۲/۲؛ حنفی البرسوی، روح البیان، ۳۹۷/۴).

گروهی از فقهاء دینی بالاخص فقیهان اهل سنت مانند: ابوحنیفه نعمان بن ثابت (م ۱۵۰ هـ)، مالک بن انس (م ۱۷۹ هـ)، محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴ هـ)، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ هـ) و... با ترجمه قرآن کریم مخالفت ورزیده و ترجمه آن را صحیح ندانسته‌اند. (رک: شاطبی، الموافقات، ۴۴/۱؛ زرقانی، مناهل العرفان، ۴/۲؛ رشید رضا، المنار، ۳۵۰/۱؛ شحاته، علوم القرآن، ۲۴؛ مناع الفطان، مباحث فی علوم القرآن، ۳۱۴؛ حفناوی، دراسات فی علوم القرآن، ۸۰؛ شاطر، القول السدید، ۱۷؛ سلیمان، شیخ محمد، حدث الاحداث، ۶۳). عده‌ای دیگر مانند: ابن حجر عسقلانی، زمخشری (م ۵۲۷ هـ)، قاضی بیضاوی (م ۶۸۶ هـ) و... فتوا به جواز ترجمه قرآن کریم داده‌اند.

اما در بین فقهای شیعه هرگز فتوایی در باره «حرمت جواز ترجمه قرآن کریم» به زبانهای دیگر صادر نشده است. علیرغم مخالفت بعضی از علماء با ترجمه قرآن، این متن مقدس در عمل به زبانهای غیر عربی ترجمه گردیده است؛ چنانکه گفته می‌شود قرآن مجید تاکنون به بیش از ۱۲۰ زبان در جهان ترجمه گردیده است و از این میان در زبانهای اروپایی به بالغ بر ۴۴ زبان و گویش محلی اروپایی ترجمه و چاپ شده است (حمید الله عنایت، معجم مصنفات القرآن الکریم، ۲۱/۱ - ۱۵). گفته‌اند قرآن مجید

در سال ۱۲۷ به زبان بربری و در سال ۲۷۰ به زبان سندی ترجمه شده است. (نشریه تحقیقات اسلامی، سال دوم، شماره ۱ ص ۱) یکی از کهن‌ترین آثار بازمانده فارسی ترجمه تفسیر بزرگ طبری (م ۳۱۰ هـ) است که به فرمان ابوصالح منصور بن نوح سامانی، فرمانروای ماوراءالنهر و خراسان (۳۵۰ - ۳۶۶ هـ) انجام پذیرفت (مقدمه ترجمه تفسیر طبری) قدیمی‌ترین ترجمه قرآن به زبان ترکی به لهجه اوغوز است، این ترجمه به وسیله یک شخص ایرانی موسوم به محمد پسر حاج محمد دولت‌شاه شیرازی انجام گرفته است. تاریخ تحریر آن را سال ۷۳۴ هـ ضبط کرده‌اند (عثمان بنی اوغلو، تاریخ قرآن به زبان ترکی، ۲۷۰). ترجمه قرآن کریم به زبان اندوزیایی در سال ۱۹۳۸ م به وسیله شخصی به نام حاجی نورالدین معروف به حاجی لو چاپ گردیده است (تحقیقات اسلامی، ۲) نخستین ترجمه قرآن به زبان اروپایی، ترجمه رابرت کتونی در سال ۱۱۴۳ م بوده است. (رژی بلاشر، در آستانه قرآن، ۲۹۱)

نخستین ترجمه کامل قرآن در زبان اروپای جدید، ترجمه «آندره آرا بوبسن» به زبان ایتالیایی بود که در سال ۱۹۴۷ م چاپ گردید. (همان، ۲۹۳).

دلایل ضرورت ترجمه قرآن کریم

۱- جهانی و جاویدان بودن دین اسلام

قرآن کریم دعوت خویش را عمومی و همگانی معرفی کرده است «ما ارسلناک الارحمة للعالمین» (انبیاء / ۱۰۷) اما با توجه به اینکه این سخن قدسی به زبان عربی فرود آمده است، برای ابلاغ پیام آن به غیر عرب زبانان باید به ترجمه آن پرداخت، صاحب تفسیر روح البیان می‌نویسد: «قرآن کریم نه تنها برای همه مردم بلکه برای تمامی جن و انس فرود آمده است و اگر خداوند متعال آن را به تمامی زبانها با همه اختلافاتی که بین آنها وجود دارد نازل می‌کرد، اعجاز آن از بین می‌رفت و منجر به درگیری و اختلاف می‌گشت و تحریف آن قطعی می‌نمود ... بنابراین به زبان قوم پیامبر (ص) - یعنی عربی - فرود آمد و تنها چیزی که به دعوت عمومی پیامبر جامعه

عمل می‌پوشاند، ترجمه آن به زبانهای دیگر است. « (برسوی، اسماعیل، روح‌البیان فی تفسیرالقرآن، ۳۶۹/۴) قرطبی در تفسیر آیه ۴ از سوره ابراهیم می‌گوید: «در این آیه حجتی بر عجم و غیر عجم نیست مگر آنکه آنچه که بر پیامبر نازل شده است به زبانهای دیگر ترجمه شود.» (قرطبی، جامع الاحکام فی تفسیر القرآن ۳۰۴/۹) سید قطب گفته است: «... هرچند که دعوت پیامبر عمومی بود، اما به زبان عربی فرود آمد، این مهم را یاران و پیروان او از طریق ترجمه به زبانهای دیگر بانجام می‌رسانند.» (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۲۰۸۷/۴)

۲- سیره عملی پیامبر (ص) و صحابه

رسول خدا (ص) بعد از صلح حدیبیه توانست اندیشه اسلامی را در خارج از جزیره العرب تبلیغ کند، در همین راستا بود که نامه‌های زیادی را برای سران کشورهای دیگر نوشت و آنها را به پذیرش دین اسلام دعوت نمود. مورخین تعداد نامه‌های پیامبر به شاهان و بزرگان اقوام و ملل را ۳۱۶ نامه ذکر کرده‌اند. (میانجی، احمد، مکاتیب الرسول مقدمه، ص - د) «تعدادی از این نامه‌ها برای زمامدارانی مانند: نجاشی پادشاه حبشه، مقوقس حاکم مصر، هرقل امپراتور روم، کسرا پادشاه ایران و... بوده است و چون این نامه‌ها به زبان عربی بوده و آیاتی از قرآن کریم را دربر داشته‌اند، لذا توسط فرستادگان پیامبر (ص) به آن زبانها ترجمه شده‌اند.» (ابن سعد، الطبقات الكبرى، ۳۵۹/۱) علاوه بر این روایتی در خصوص درخواست ایرانیان از سلمان فارسی رسیده است، آنها از سلمان درخواست کردند که سوره فاتحه را برای آنان ترجمه نماید. «روی ان اهل الفرس كتبوا الى سلمان الفارسی ان يكتب لهم الفاتحه بالفارسیة فكتب لهم بسم الله الرحمن الرحيم ... به نام یزدان بخشاینده، فکانوا یقرئون ذالک فی الصلوة حتی لانت السننهم العربیة.» (سرخسی، المبسوط، ۳۷/۱؛ نروی، المجموع، ۳۸۰/۷؛ ابن حزم، المحلی، ۲۵۴/۳) همچنین در میان اصحاب پیامبر (ص)، سلمان فارسی، بلال حبشی، صهیب رومی، میثم تمار و... یافت می‌شود که غیر

عرب و عجم بودند و به تبلیغ دین اسلام به مردم غیر عرب می پرداختند. از همه اینها مهمتر آنکه پیامبر (ص) بعضی از یارانش مانند زید بن ثابت را مأمور می کرد که زبانهای دیگر مانند سریانی و عبری را یاد بگیرند. (ابن حزم، المحلی، ۲۵۴/۳)

۳- ابلاغ پیام خداوند به گوش جهانیان

قرآن کریم به زبان عربی فرود آمده است و تبلیغ آن برای کسانی که این دعوت به گوش آنها نرسیده است لازم و ضروری است، اما با توجه به اینکه این سخن مقدس به زبان عربی است و امکان آموزش زبان عربی برای تمامی انسانها نه میسر است و نه ممکن، لذا بهترین راه برای رساندن سخن خداوند ترجمه قرآن کریم به دیگر زبانهاست. طبرسی می نویسد: «اینکه خداوند متعال می فرماید: «یا ایها الناس» یعنی طرف خطاب تمامی انسانها هستند اعم از عرب و عجم، حتی هدایت جن را نیز بر عهده گرفته است و منظور از «عالمین» تمامی مکلفین از جن و انس است.» (طبرسی، مجمع البیان، ۲۵۲/۸). اما مردم دارای زبانهای گوناگون و متفاوتی هستند و زبان نیز یک وسیله و ابزار است، آن چیزی که هدف است معانی می باشد که مانند زبان اختصاص به قومی خاص جدای از دیگر اقوام ندارد، زیرا تمام انسانها به ارزشهای انسانی باور دارند؛ خلاصه اینکه زبانها به تعداد اقوام انسانی تکثر پیدا می کنند ولی معانی بین همه رایج است.» (مغنیه، محمدجواد، تفسیر کاشف، ۶۵/۴) زمخشری می نویسد: «اگر گفته شود که پیامبر تنها بر قوم عرب مبعوث نگردیده است، بلکه بر تمامی مردم برانگیخته شده است «قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا» (اعراف/۱۵۸) آنها هم به زبانهای گوناگونی گفت و گو می کنند، در این صورت گفته می شود اگر برای عرب زبانان حجت باشد برای غیر عرب زبانان حجت نمی باشد، در پاسخ می گوئیم: هیچ تفاوتی نمی کند و نیازی به نزول قرآن به تمامی زبانها نیست، زیرا ترجمه، این مهم را برآورده می کند.» (زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۳۶۶/۲) در نتیجه باید گفت با توجه به اینکه از یک طرف دعوت قرآن کریم همگانی

است، و تمامی مردم هم با زبان عربی آشنا نیستند و از طرف دیگر فراگیری زبان عربی برای همه ممکن نیست و دستور به آن، دستور به تکلیف مالا یطاق است، لذا ترجمه قرآن کریم به دیگر زبانها لازم و ضروری است.

۴- ضرورت مقابله خردمندانه با ترجمه‌های غلط

نگاه اجمالی بر تاریخ ترجمه‌های قرآن کریم گویای آن است که تعداد بیشماری از معاندین و مخالفین دین اسلام، قرآن کریم را با انگیزه برخورد، مقابله و مبارزه با دین اسلام ترجمه کرده‌اند و در لابلای ترجمه‌ها، اهداف سوء فرهنگی خویش را علیه اسلام ابراز کرده‌اند، چرا که این ترجمه‌ها نه تنها به قصد نشر معارف اسلامی صورت پذیرفته، بلکه بیشتر آنها به دستور و نظارت مستقیم پاپها، کشیشها و مستشرقین برای مبارزه با قرآن کریم انجام گرفته است. در حقیقت قرآن کریم از طریق اندلس وارد اروپا شد و هدف از این ترجمه قرآن عرضه آن به پدران روحانی - کشیشها - برای طرد و مبارزه بر علیه آن بوده است. «قرآنی که بعدها در سال ۱۵۰۹ م به زبان لاتین چاپ شد، هیچ کس حق نداشت نسخه‌ای از آن داشته باشد و یا به مطالعه آن پردازد، چون فاقد دلایل لازم بر علیه آن بود، در سال ۱۹۵۴ م ترجمه هنکلمان و سپس در سال ۱۹۵۸ م ترجمه مراچی همراه با ردیه‌ای بر علیه قرآن به چاپ رسید.» (زنجانی، تاریخ القرآن، ۶۹) بلاشر می‌نویسد: «... این کار به سن برنادر (۱۱۵۳ م) ارائه گردید، همانطور که «پیرلوونه دابل» اعلام کرد هدف آن تبلیغ علیه دین اسلام بود.» (در آستانه قرآن، ۲۹۶) «معدلک مسیحیت طی پنج قرن چه مستقیم و چه غیرمستقیم در مشاجرات حاد علیه دین اسلام از این کتاب استفاده کرد.» (همان، ۲۹۳) در جای دیگر آمده است: «محتوای این اثر مطالب غیر صحیح و مملو از سوء تفاهمات است که از منشأ تعصب و بغض و عداوت سرچشمه گرفته است و به منزله بازاری مغشوش، پر از جنجال و کینه‌توزی است و مجال برای ظهور و رواج حقیقت باقی نگذاشته است، مع الوصف این کتاب مبنای قرآن غرب و اولین ترجمه

در بین افکار و آثار اروپایی متجدد و مدرن محسوب می‌گردد.» (سلماسی‌زاده، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ۱۶) «هرکس در اروپا قرآن کریم را بدون دلایل رد بر علیه اسلام چاپ می‌کرد مورد مؤاخذه و مجازات قرار می‌گرفت. در سال ۱۵۴۲ م دو نفر آلمانی و سوئیسی که قرآن کریم را بدون «دیه» چاپ کرده بودند، گرفتار دادگاه شورای شهر «بازل» شدند و روانه زندان شدند.» (محمد خاتم پیامبران، ۲۱۹)

بنابراین وقتی که وضعیت ترجمه‌های قرآن کریم اینگونه است، باید اندیشمندان دلسوز در صدد ارائه ترجمه‌ای کامل از قرآن کریم به زبانهای مختلف دنیا بر آیند و قرآن کریم را آنگونه که هست به مردم جهان معرفی کنند. پس می‌توان گفت که برای حفظ و حراست از قرآن کریم و تبلیغ آگاهانه آن به کسانی که با زبان عربی آشنایی ندارند، ترجمه قرآن به زبانهای دیگر واجب است.

شیعه و ترجمه قرآن کریم

فقهاء و محدثین شیعه هیچگاه به حرمت ترجمه قرآن کریم فتوا نداده‌اند و ترجمه قرآن را نیز قرآن کریم ندانسته‌اند و قرائت ترجمه سوره فاتحه را در نماز جایز ندانسته، و به حرمت مس ترجمه‌های قرآن کریم نیز قائل نبوده‌اند. کاشف‌الغطاء در پاسخ به سؤال عبدالرحیم در باره جواز ترجمه قرآن کریم به زبانهای دیگر گفته است: «بدون تردید، فصاحت و بلاغت زبان بیگانه هر چند هم در حد بالایی باشد و مترجم هم شخصی ماهر و آگاه به هر دو زبان باشد، نمی‌تواند قرآن را با همان درجه فصاحت و بلاغت به زبان دیگر برگرداند؛ ولی با توجه به اینکه اگر ترجمه صحیح بوده و هیچ تغییر و تحریفی در آن صورت نگرفته باشد، جایز است؛ باید گفت: هر کسی که توان برگرداندن قرآن کریم به زبانی دیگر را داشته باشد، بر او واجب است که آن را ترجمه نماید، زیرا این راه - یعنی ترجمه - از بهترین راههای تبلیغ دین خداست ... بنابراین دیگر نیازی به متوسل شدن به اصالت اباحه و مانند آن احساس نمی‌گردد و مسأله واضح‌تر از آن است که نیازی به آوردن دلیل یا استناد

به اصلی داشته باشد. « (عبدالرحیم، القرآن والترجمه، ۳ و ۴) آیت... العظمی خویی در این باره می‌نویسد: «قرآن کریم لفظی است از سوی خداوند متعال که به گروه و قوم خاصی اختصاص نداشته و تمام افراد بشر را در بر می‌گیرد و حکمت خداوند چنین اقتضاء کرده است که کتابش را به زبان قوم برگزیده‌اش - عربی - نازل کند؛ با اینکه قوانین، تعالیم و هدایتهای آن عمومی و جهانی است. پس همه باید قرآن را بفهمند تا بتوانند از آن الهام گیرند، بدون شک ترجمه قرآن این مهم را متحقق می‌سازد... اگر در ترجمه قرآن همه این شرایط رعایت گردد، در این صورت ترجمه قرآن نه تنها اشکالی نخواهد داشت بلکه بسیار لازم و بجا خواهد بود که هر قوم و ملتی بتوانند با زبان خودشان از حقایق و مفاهیم قرآن برخوردار شوند، زیرا قرآن کریم برای عموم مردم نازل شده است و نباید زبان آن به قوم خاصی اختصاص داشته باشد و کسانی که با این زبان آشنایی ندارند از حقایق و تعالیم آن محروم بمانند.» (البیان فی تفسیر القرآن، ۵۴۰ و ۵۴۱)

لازم به یادآوری است که در اولین کنفرانس تحقیقاتی علوم قرآنی که با حضور بیشتر فقهاء و اندیشمندان علوم قرآن در ۱۵ اسفند ۱۳۶۷ در شهر قم تشکیل گردید، بعد از بحث و بررسی گسترده پیرامون جواز و عدم جواز ترجمه قرآن کریم؛ اعلام گردید: «نظر کمیسیون ترجمه قرآن بر این است چنانکه ارزش کلمات قرآن شناخته شده و هر آیه چنان ترجمه شود که گوئی مترجم به حقیقت آن سوگند خورده، و همچنین دیگر شرایط لازم در ترجمه رعایت گردد تا از بروز اشکال مصون باشد؛ مشروعیت ترجمه قرآن محرز است و مورد ایراد اشکال‌کنندگان نخواهد بود.» و در پایان نوشته‌اند: «ترجمه‌های موجود زبان فارسی نارساست و همچنین آنچه که به زبانهای اروپایی، فرانسوی، انگلیسی و غیره ترجمه شده قابل اعتماد و اطمینان نیست و باید ترجمه‌ای رسا با شرایطی که ذکر شد به عمل آورد و آن را انتشار داد که متأسفانه هنوز جامعه عمل به خود نپوشانده است.» (کنفرانس تحقیقات

اما اینکه ترجمه قرآن، قرآن نیست مورد اتفاق فقهای شیعه است. شیخ طوسی (م ۴۶۰) در جواب این سؤال که آیا وقتی قرآن کریم به زبان فارسی برگردانده می شود قرآن است یا خیر، با استناد به آیه ۱۹۵ از سوره شعراء گفته است: «به نظر ما ترجمه فارسی قرآن، قرآن نیست، زیرا در این آیه شریفه به صراحت بیان می نماید که قرآن به زبان «عربی مبین» نازل شده است و هرکس بگوید: قرآنی که به زبان دیگر - غیر از عربی - خوانده می شود قرآن است باید این آیه را ترک نماید.» (الخلافا، ۳۴۴) و به همین دلیل است که فقهاء شیعه خواندن ترجمه سوره فاتحه را در نماز جایز ندانسته اند و بر این باورند که «هرکس ترجمه سوره فاتحه را به جای متن عربی آن بخواند نمازش باطل است.» (ر.ک: طوسی، الخلاف، ۳۴۳؛ حلی، المختصرالنافع، ۳۰؛ عاملی، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۴۱/۳؛ نجفی، جواهرالکلام، ۳۰۰/۱۵؛ امام خمینی، تحریرالوسیله، ۱۶۷/۱) نکته مهم اینکه مس متن عربی قرآن کریم را حرام و ترجمه آن را جایز دانسته اند، آیت... العظمی بروجردی در مسأله ۳۲۳ توضیح المسائلش می نویسد: «مس نمودن خط قرآن، یعنی رساندن جائی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد حرام است، و احتیاط واجب آن است که موی خود را هم به خط قرآن نرساند ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا زبان دیگر ترجمه کنند مس آن اشکال ندارد.» (ر.ک: مسأله ۳۲۳ توضیح المسائل حضرات آقایان سیدحسن حجت، سیداحمد مرسوی خوانساری، سید محمد شاهرودی، سید محسن حکیم، خرنی و امام خمینی)

نتیجه:

اسلام دین جهانی است و قرآن کریم معجزه جاویدان آن است؛ قرآن کریمی که مجموع لفظ و معنای آن از سوی خداوند متعال است. این قرآن کریم به زبان «عربی مبین» فرود آمده است، هیچگونه بطلان و نقصی به آن راه پیدا نخواهد کرد، تمام مسلمانان موظف به تلاوت آن به زبان عربی هستند؛ اما همین کلام قدسی برای

هدایت تمام انسانها فرستاده شده است. انسانهایی که از اقوام و ملل گوناگون بوده و با زبانهای مختلفی گفت و گو می نمایند. پس قرآن هم جهان شمول است و هم زمان شمول. لذا از آغاز طلوع دین اسلام و نزول قرآن کریم، جواز ترجمه قرآن کریم میان اندیشمندان دینی به اختلاف مطرح بوده است. گروهی از عالمان دینی - بالاخص علمای اهل سنت - مخالف ترجمه قرآن کریم بوده و ترجمه آن را نوعی فتنه انگیزی در دین دانسته و حکم به تحریم ترجمه داده اند و جمعی دیگر با ترجمه قرآن کریم موافق بوده، نه تنها آن را جایز دانسته اند بلکه به وجوب آن فتوا داده اند.

مداقه در تاریخ اسلام گویای این حقیقت است که آغاز ترجمه قرآن کریم به زبانهای دیگر به زمان رسول خدا (ص) برگشت پیدا می کند و صحابه پیامبر (ص) نیز به ترجمه آن پرداخته اند؛ بعد از صحابه تا کنون نیز از سوی مسلمانان و غیر مسلمانان ترجمه هایی از قرآن کریم بعمل آمده است، هر چند که بیشتر این ترجمه ها از سوی معاندین و مخالفین با هدف مقابله و مبارزه با مکتب اسلام انجام پذیرفته است، اما مسلمانان نیز ترجمه هایی را ارائه کرده اند و اکنون در دسترس می باشند. همانگونه که بیان شد جهانشمولی قرآن کریم اقتضای وجوب و ضرورت ترجمه آن را می نماید. اما برخلاف برخی از فقهای اهل سنت در بین فقهای شیعه هیچکس به «حرمت ترجمه قرآن» به زبانهای دیگر فتوا نداده است علاوه بر اینکه فقهای معاصر مانند: کاشف الغطاء، آیت... بروجردی، آیت الله خوئی، آیت الله گلپایگانی و آیت الله مکارم شیرازی فتوای روشن بر لزوم ترجمه قرآن کریم صادر کرده اند. لازم به ذکر است همانگونه که اشاره گردید جواز ترجمه قرآن کریم از منظر فقهای شیعی را می توان از لابلای کتب فقهی و عناوین دیگر مانند: ترجمه قرآن، قرآن نیست، خواندن ترجمه سوره فاتحه در نماز به جای متن عربی آن جایز نیست و مس ترجمه قرآن جایز است، بدست آورد.

منابع :

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه: سید محمد جعفر شهیدی، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰ ش.
- ۳- ابوالاصبع، بدیع القرآن، ترجمه سید علی میرلوحی، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۲ ش.
- ۴- ابن حزم، المحلی، دارالافاق التراث، بیروت، لبنان، (ب - ت)
- ۵- ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۳۷۷ ق.
- ۶- ابن قدامه، المغنی، دارالمنار، مصر، ۱۳۶۷ ق.
- ۷- ابوزهر، محمد، المعجزة الكبرى، دارالفکر، ۱۳۹۰ ق.
- ۸- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ ش.
- ۹- امام خمینی، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعاتی، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۰- انیس ابراهیم، دلالة الالفاظ، مکتبة الانجلو المصرية (ب - ت).
- ۱۱- ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی، دینی در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات قلم، ۱۳۶۰ ش.
- ۱۲- جزایری، عبدالرحمن، الفقه علی المذهب الاربعه، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ ق
- ۱۳- جوهری نیشابوری، صحاح اللغة، تحقیق: عبدالغفور عطار، دارالکتاب العربی (ب - ت)
- ۱۴- حقی بروسوی، تفسیر روح البیان، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۱۵- خوئی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، حوزه علمیه قم، ۱۳۹۴ ق.
- ۱۶- دراز، محمد عبدالله، النبأ العظيم، قاهره، ۱۳۷۶ ق.
- ۱۷- ذهبی، محمد حسین، التفسیر والمفسرون، دارالکتب الحدیثه، ۱۴۱۹ ق.
- ۱۸- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۹- رژی بلاشر، در آستانه قرآن، ترجمه دکتر محمود رامیار، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹ ش.
- ۲۰- زرقانی، عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، دارالاحیاء للکتب العربیه، ۱۳۷۳ ق.
- ۲۱- زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، داراحیاء التراث، ۱۴۱۲ ق.
- ۲۲- زمخشری، محمد بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
- ۲۳- زنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، قاهره، ۱۳۵۴ ق.
- ۲۴- سرخسی، المبسوط، بیروت، ۱۹۸۹ م.
- ۲۵- سلماسی زاده، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹ ش.
- ۲۶- سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، دارالشرق، (ب - ت).
- ۲۷- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، دار احیاء التراث، ۱۴۱۵ ق.
- ۲۸- سیوطی، جلال الدین، المزهر فی علوم اللغة، دارالاحیاء للکتب العربیه، مصر، (ب - ت).

- ٢٩- شافعی، محمد بن ادريس، الرسالة، تحقيق: احمد شاکر، مطبعة مصطفى الباني الحلبي و اولاده، ١٣٠٩ ق.
- ٣٠- شحاته، عبدالله محمود، مكتبة نهضة الشرق، قاهره، (ب - ت).
- ٣١- شرتوني، اقرب الموارد، منشورات مكتبة آيت... العظمى مرعشى نجفى، قم، ١٣٦٠ ش.
- ٣٢- شلتوت، محمد، ترجمة القرآن و نصوص العلماء، قاهره، (ب - ت).
- ٣٣- صادقى، محمد، تفسير الفرقان فى تفسير القرآن، دار التراث الاسلاميه، بيروت، ١٣٦٥ ق.
- ٣٤- طباطبايى، محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ١٤١٧ ق.
- ٣٥- طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، دارالمعرفة، ١٤٠٨ ق.
- ٣٦- طبرى، ابن جرير، جامع البيان فى تفسير القرآن، تحقيق: محمود شاکر، دار احياء التراث، بيروت (ب - ت).
- ٣٧- طبرى، ابن جرير، ترجمة تفسير طبرى، تصحيح و اهتمام: حبيب الله يغمائى، انتشارات طوس، (ب - ت).
- ٣٨- طوسى، محمد بن حسن، الخلاف، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، ١٣٦٢ ش.
- ٣٩- عبدالرحيم، القرآن و الترجمة، نجف اشرف، ١٣٧٥ ق.
- ٤٠- عك، خالد عبدالرحمن، تاريخ توثيق نص القرآن الكريم، دارالنفاس، ١٤١٢ ق.
- ٤١- عك، خالد عبدالرحمن، اصول التفسير و قواعده، دارالنفاس، ١٤١٥ ق.
- ٤٢- على شواخ، معجم مصنفات القرآن كريم، دارالرفاعى، رياض، ١٤١٢ ق.
- ٤٣- قرطبي، محمد بن احمد، تفسير الجامع لاحكام القرآن، دارالكتب المصريه، قاهره، ١٣٥٨ ق.
- ٤٤- كردى، محمد طاهر بن عبدالقاهر، تاريخ القرآن و غرائب رسمه و حكمه، مصر، ١٣٧٢ ق.
- ٤٥- مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الرفاء، بيروت، ١٤٠٣ ق.
- ٤٦- محمد سليمان، حدث الاحداث، دار احياء التراث العربى، ١٤١٦ ق.
- ٤٧- مراغى، محمد مصطفى، بحث فى ترجمة القرآن الكريم و احكامها، دار كتب الجديد، بيروت، ١٣٩٥ ق.
- ٤٨- مناع القطان، مباحث فى علوم القرآن، مؤسسه الرسالة، (ب - ت).
- ٤٩- موسى عاملى، محمد بن على، مدارك الاحكام فى شرح شرايع الاسلام، مؤسسه آل بيت، مشهد، ١٤٠٣ ق.
- ٥٠- مهنا، احمد، دارسته حول ترجمة القرآن كريم، مطبوعات دار البعث، قاهره، (ب - ت).